

**Comparative Studies
in Jurisprudence,
Law, and Politics**

Examining the Enforcement of Judgments Issued by International Courts

1. Siamak Jedi Rahim Biglow: PhD Student, Department of Law, Ayatollah Amoli Branch, Islamic Azad University, Amol, Iran
2. Yaser Yahyizadeh*: Assistant Professor, Law Department, Ayatollah Amoli Branch, Islamic Azad University, Amol, Iran. Email: iaumol@yahoo.com (Corresponding Author)
3. Hassan Hajitabar: Assistant Professor, Department of Law, Ghaemshahr Branch, Islamic Azad University, Ghaemshahr, Iran

ABSTRACT

The enforcement of judgments issued by international courts is a fundamental issue in international law that plays a vital role in ensuring justice, maintaining the global legal order, and strengthening international peace and security. This article aims to examine the factors affecting the enforceability of international court judgments by structurally and functionally analyzing courts such as the International Court of Justice (ICJ), the International Criminal Court (ICC), and special and regional tribunals, including the courts for Rwanda, the former Yugoslavia, and Tokyo. In this context, concepts such as the jurisdiction and powers of these courts, the process of issuing binding judgments, and the challenges related to the cooperation or non-cooperation of states are explored. Additionally, the political and legal impacts on enforcement and the role of institutions like the Security Council in ensuring the execution of judgments are analyzed. The article demonstrates that the reliance of international courts on the cooperation of states and the support of international institutions, including the Security Council, is a primary challenge in enforcing their judgments. Nevertheless, international courts have significantly contributed to the development of international law by articulating new legal principles and addressing international crimes. Finally, the article offers suggestions for strengthening enforcement mechanisms, enhancing international cooperation, and reducing the influence of political considerations, which can help increase the effectiveness of enforcement and bolster the international justice system.

Keywords: *Enforcement, International Courts, International Criminal Court, International Court of Justice, Security Council, International Justice, Global Legal Order, International Peace and Security.*

How to cite: Jedi Rahim Biglow, S., Yahyizadeh, Y., & Hajitabar, H. (2025). Examining the Enforcement of Judgments Issued by International Courts. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 7(1), 393-408.

© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 11 October 2024
Revise Date: 17 December 2024
Accept Date: 22 December 2024
Publish Date: 21 March 2025



پژوهش‌های تطبیقی فقه،

حقوق و سیاست

بررسی ضمانت اجرایی آرای صادره از محاکم بین‌المللی

۱. سیامک جدی رحیم بیگلو: دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد آیت‌الله امینی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران
۲. یاسر یحیی زاده*: استادیار، گروه حقوق، واحد آیت‌الله امینی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران. پست الکترونیک: iaumol@yahoo.com (نویسنده مسئول)
۳. حسن حاجی تبار: استادیار، گروه حقوق، واحد قائم‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم‌شهر، ایران

چکیده

ضمانت اجرایی آرای صادره از محاکم بین‌المللی یکی از موضوعات اساسی در حقوق بین‌الملل است که نقش حیاتی در تأمین عدالت، حفظ نظم حقوقی جهانی، و تقویت صلح و امنیت بین‌المللی دارد. این مقاله با هدف بررسی عوامل مؤثر بر ضمانت اجرایی آرای محاکم بین‌المللی، به تحلیل ساختاری و عملکردی محاکمی نظیر دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ)، دیوان کیفری بین‌المللی (ICC)، و محاکم خاص و منطقه‌ای از جمله دادگاه‌های رواندا، یوگسلاوی سابق، و توکیو می‌پردازد. در این راستا، مفاهیمی نظیر صلاحیت و اختیارات محاکم، فرآیند صدور آرای الزام‌آور، و چالش‌های مربوط به همکاری یا عدم همکاری دولت‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین تأثیرات سیاسی و حقوقی بر ضمانت اجرا و نقش نهادهایی نظیر شورای امنیت در تضمین اجرای احکام تحلیل شده است. این مقاله نشان می‌دهد که وابستگی محاکم بین‌المللی به همکاری دولت‌ها و حمایت نهادهای بین‌المللی از جمله شورای امنیت، یکی از چالش‌های اصلی در ضمانت اجرایی آرای این محاکم است. در عین حال، محاکم بین‌المللی با تبیین اصول حقوقی نوین و رسیدگی به جرایم بین‌المللی توانسته‌اند نقشی مهم در توسعه حقوق بین‌الملل ایفا کنند. در پایان، پیشنهادهایی برای تقویت سازوکارهای اجرایی، ارتقای همکاری‌های بین‌المللی، و کاهش تأثیر ملاحظات سیاسی ارائه شده است که می‌تواند به افزایش اثربخشی ضمانت اجرایی و تقویت نظام عدالت بین‌المللی کمک کند.

واژگان کلیدی: ضمانت اجرایی، محاکم بین‌المللی، دیوان کیفری بین‌المللی، دیوان بین‌المللی دادگستری، شورای امنیت، عدالت بین‌المللی، نظم حقوقی جهانی، صلح و امنیت بین‌المللی.

نحوه استناددهی: جدی رحیم بیگلو، سیامک، یحیی زاده، یاسر، و حاجی تبار، حسن. (۱۴۰۴). بررسی ضمانت اجرایی آرای صادره از محاکم بین‌المللی. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۱۷(۱)، ۴۰۷-۳۹۳.

© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۲۰ مهر ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۲۷ آذر ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۲ دی ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۱ فروردین ۱۴۰۴



موضوع ضمانت اجرایی آرای صادره از محاکم بین‌المللی یکی از مسائل بنیادین حقوق بین‌الملل است که به‌ویژه در عصر حاضر با گسترش جنایات بین‌المللی و نقض گسترده حقوق بشر اهمیت دوچندانی یافته است. محاکم بین‌المللی از جمله دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) و دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) نقش کلیدی در پیشبرد نظم حقوقی بین‌المللی دارند. آرای صادره از این محاکم، از منظر ایجاد تعهدات الزام‌آور برای دولت‌ها و نهادهای مختلف، می‌توانند به‌عنوان ابزاری قدرتمند در پیشگیری و مقابله با بی‌کیفرمانی و تأمین صلح جهانی عمل کنند. با این حال، میزان تحقق ضمانت اجرای این آرا در عمل به دلایل گوناگونی همچنان محل بحث و مناقشه است. مسئله ضمانت اجرایی نه تنها به مشروعیت و کارآمدی این محاکم مربوط است، بلکه تأثیر مستقیمی بر اعتماد جامعه جهانی به عدالت بین‌المللی دارد (Gholami & Seyedzadeh Sani, 2020). بررسی این مسئله از دیدگاه‌های مختلف، از جمله حقوقی، سیاسی، و اجتماعی، ضرورتی انکارناپذیر است. با وجود نقش کلیدی محاکم بین‌المللی در صدور آرای قضایی، همچنان اجرای این آرا با چالش‌های متعددی روبه‌رو است. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، وابستگی اجرای آرا به همکاری دولت‌ها است. در بسیاری از موارد، دولت‌ها به دلایل سیاسی یا نقص در حاکمیت قانون، از اجرای آرای صادره امتناع می‌ورزند. به‌عنوان نمونه، در پرونده سیف‌الاسلام قذافی، عدم همکاری دولت لیبی در اجرای آرای دیوان کیفری بین‌المللی منجر به بروز تعارض میان صلاحیت‌های دیوان و دولت مربوطه شد (Gholami & Seyedzadeh Sani, 2020). در سطح محاکم قضایی مانند دیوان بین‌المللی دادگستری نیز برخی دولت‌ها به اجرای تصمیمات الزام‌آور این دیوان پایبند نیستند، که این امر مشروعیت محاکم بین‌المللی را زیر سؤال می‌برد (Daryabegi & Moradinassab, 2022). همچنین، نقص در سازوکارهای تضمین اجرا از طریق نهادهایی نظیر شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز به ضعف ضمانت اجرایی آرای محاکم بین‌المللی دامن زده است (Ghahramani & Ziaee, 2023).

ضرورت این تحقیق از آنجا ناشی می‌شود که با گسترش تعاملات جهانی و افزایش جرایم فراملی، نقش محاکم بین‌المللی در تنظیم مناسبات جهانی و مقابله با بی‌کیفرمانی بیش از پیش اهمیت یافته است. ضمانت اجرای آرای این محاکم به‌طور مستقیم بر موفقیت یا ناکامی نظام عدالت بین‌المللی تأثیر می‌گذارد. همچنین، تاکنون پژوهش مستقلی که به‌طور جامع به بررسی ضمانت اجرایی آرای صادره از محاکم بین‌المللی بپردازد، انجام نشده است. پژوهش‌های موجود غالباً به‌صورت موردی و با تمرکز بر ابعاد خاصی نظیر صلاحیت محاکم یا حقوق بشر انجام شده‌اند. این تحقیق با رویکردی جامع و نظام‌مند، خلأ موجود در ادبیات حقوق بین‌الملل را پر خواهد کرد (Azizi & Biglarbeigi, 2023; Tohidi & Dadashi, 2019). نوآوری این تحقیق در ارائه مدلی تحلیلی برای بررسی ضمانت اجرایی آرای محاکم مختلف بین‌المللی است که می‌تواند به‌عنوان مبنای توسعه سیاست‌ها و سازوکارهای حقوقی جدید مورد استفاده قرار گیرد.

هدف اصلی این پژوهش بررسی ضمانت اجرایی آرای صادره از محاکم بین‌المللی و تحلیل عوامل تأثیرگذار بر موفقیت یا ناکامی این ضمانت‌ها است. این پژوهش همچنین به دنبال شناسایی موانع حقوقی، سیاسی، و ساختاری اجرای آرای بین‌المللی و ارائه پیشنهادهایی برای رفع این موانع است. از جمله اهداف فرعی می‌توان به تحلیل نقش شورای امنیت سازمان ملل در تضمین اجرای آرای محاکم بین‌المللی و ارزیابی تعهدات دولت‌ها در این زمینه اشاره کرد (Daryabegi & Moradinassab, 2022; Ghahramani & Ziaee, 2023). پرسش‌های اصلی این پژوهش عبارتند از: ضمانت اجرایی آرای محاکم بین‌المللی چگونه تعریف می‌شود و چه ابعدی دارد؟ چه عواملی بر اجرای آرای

این محاکم تأثیرگذار است؟ نقش نهادهایی نظیر شورای امنیت در تضمین اجرای آراء چیست؟ چگونه می‌توان ساختارهای حقوقی موجود را بهبود بخشید تا آرای محاکم بین‌المللی با ضمانت بیشتری به اجرا درآیند؟

مبانی نظری و مفهومی

مفهوم ضمانت اجرایی در حقوق بین‌الملل از اساسی‌ترین چالش‌های این حوزه حقوقی به شمار می‌رود. حقوق بین‌الملل، برخلاف حقوق داخلی، فاقد نیروی اجرایی مستقیم و الزام‌آور است که بتواند بر اجرای احکام و قواعد خود توسط تابعان نظارت کند. مفهوم ضمانت اجرایی به معنای وجود سازوکارهایی است که محاکم بین‌المللی را قادر به اجرای آرای خود و اعمال تعهدات الزام‌آور برای طرف‌های ذی‌ربط می‌سازد. در این میان، نقش دولت‌ها به‌عنوان تابعان اصلی حقوق بین‌الملل، بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا ضمانت اجرایی در این حوزه اغلب به همکاری و تعهدات دولت‌ها وابسته است (Ghorbanipour et al., 2023). این مسئله در نظام بین‌المللی که بر اصل حاکمیت دولت‌ها استوار است، با چالش‌های متعددی همراه است. به‌ویژه در مواردی که دولت‌ها از اجرای آراء به دلایل سیاسی یا نقص در سازوکارهای داخلی خودداری می‌کنند، توان محاکم بین‌المللی برای تضمین اجرا به‌طور جدی محدود می‌شود (Soltani & Shirzhian, 2018).

ضمانت اجرایی در حقوق بین‌الملل ابزاری برای تأمین نظم جهانی و تقویت اعتبار محاکم بین‌المللی محسوب می‌شود. با این حال، این مفهوم به‌طور کلی در مقایسه با حقوق داخلی با ضعف‌های ساختاری روبه‌رو است. در حقوق داخلی، ارکان اجرایی و قضایی به‌طور مستقیم از طریق پلیس و سایر نهادهای مرتبط قادر به اجرای احکام هستند، اما در حقوق بین‌الملل، این نهادها معمولاً به‌طور غیرمستقیم و با واسطه دولت‌ها عمل می‌کنند. به همین دلیل، سازوکارهای اجرایی در حقوق بین‌الملل غالباً به ابزارهایی نظیر فشارهای دیپلماتیک، تحریم‌ها، یا اقدامات شورای امنیت سازمان ملل متحد محدود می‌شود (Daryabegi & Moradinassab, 2022; Rashidi, 2020). این امر نشان‌دهنده ضرورت تحلیل دقیق‌تر مفهوم ضمانت اجرایی و بررسی راهکارهای تقویت آن در چارچوب نظام حقوق بین‌الملل است.

تاریخچه ضمانت اجرایی در محاکم بین‌المللی به تأسیس اولین نهادهای قضایی بین‌المللی بازمی‌گردد. از محاکم نورنبرگ و توکیو به‌عنوان نخستین دادگاه‌های بین‌المللی پس از جنگ جهانی دوم، تا دیوان بین‌المللی دادگستری و دیوان کیفری بین‌المللی، روند تکامل ضمانت اجرایی در این محاکم همواره با تحولات عمده‌ای همراه بوده است. دادگاه نورنبرگ با هدف محاکمه رهبران نازی و ارتکاب جنایات جنگی تأسیس شد و توانست با استفاده از حمایت متفقین به‌عنوان پیروزان جنگ، ضمانت اجرایی احکام خود را تأمین کند (Chapari & Shaygan, 2017). با این حال، این ضمانت اجرایی به دلیل ارتباط مستقیم با پیروزی نظامی متفقین، از دیدگاه برخی منتقدان محدود به شرایط خاص آن زمان بود و نمی‌توانست الگویی کلی برای نظام عدالت بین‌المللی محسوب شود.

تأسیس دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۱۹۴۵ نقطه عطفی در توسعه سازوکارهای ضمانت اجرایی در نظام حقوق بین‌الملل بود. این دیوان، به‌عنوان رکن قضایی سازمان ملل متحد، وظیفه حل و فصل اختلافات بین دولت‌ها را بر عهده دارد و آرای آن، در مواردی که طرفین رضایت داده باشند، الزام‌آور است (Kousha et al., 2023; Rashidi, 2020). با این حال، اجرای آرای دیوان بین‌المللی دادگستری نیز غالباً به همکاری دولت‌ها و حمایت شورای امنیت وابسته است. پرونده‌هایی نظیر قضیه لاکربی و قضیه بوسنی علیه صربستان نشان داده‌اند که در مواردی که دولت‌ها از اجرای آرای دیوان سر باز می‌زنند، ضمانت اجرایی این آراء قضایی به چالش کشیده می‌شود (Ardeshir, 2023).

دیوان کیفری بین‌المللی، به‌عنوان نخستین دادگاه کیفری دائمی، با هدف مقابله با جرایم بین‌المللی جدی نظیر جنایت علیه بشریت، جنایات جنگی، و نسل‌کشی در سال ۱۹۹۸ تأسیس شد. ضمانت اجرایی آرای این دیوان به دلیل وابستگی به همکاری دولت‌ها و نبود نیروی اجرایی مستقل، به یکی از مباحث مهم حقوق بین‌الملل کیفری تبدیل شده است. برای نمونه، در پرونده عمر البشیر، رئیس‌جمهور سابق سودان، عدم همکاری دولت‌های عضو اساسنامه رم و حتی برخی دولت‌های غیرعضو، باعث شد تا حکم بازداشت وی سال‌ها بدون اجرا باقی بماند (Hosseini Tarazkouhi & Azari, 2011). این نمونه‌ها نشان می‌دهد که حتی در نظام حقوق کیفری بین‌المللی که ضمانت اجرایی اهمیت بیشتری دارد، محدودیت‌های ساختاری همچنان به قوت خود باقی است.

انواع محاکم بین‌المللی

دیوان بین‌المللی دادگستری، به‌عنوان اصلی‌ترین مرجع حل‌وفصل دعوی میان دولت‌ها، به دلیل جایگاه خاص خود در سازمان ملل متحد و توانایی صدور نظرات مشورتی، از ضمانت اجرایی محدودتری نسبت به محاکم کیفری برخوردار است. این دیوان عمدتاً در حوزه اختلافات بین‌المللی غیرکیفری فعالیت دارد و ضمانت اجرایی آرای آن به همکاری دولت‌های ذی‌ربط و فشارهای سیاسی وابسته است (Ghahramani & Ziaee, 2023). در مقابل، دیوان کیفری بین‌المللی به دلیل تمرکز بر جرایم جدی بین‌المللی، از اهمیت بیشتری در بحث ضمانت اجرایی برخوردار است. این دیوان، به‌ویژه با استناد به اصول اساسنامه رم، به دنبال تقویت نظام عدالت کیفری بین‌المللی و کاهش بی‌کیفرمانی است. با این حال، همان‌طور که در مواردی نظیر پرونده رواندا یا یوگسلاوی سابق مشاهده شد، حتی محاکم اختصاصی نیز بدون حمایت جامعه بین‌المللی و دولت‌ها قادر به اجرای آرای خود نیستند (Karami, 2019).

محاکم منطقه‌ای و خاص نیز نقشی ویژه در نظام حقوق بین‌الملل ایفا می‌کنند. دادگاه رواندا و دادگاه یوگسلاوی سابق از جمله محاکم خاصی بودند که برای رسیدگی به جرایم سنگین پس از جنگ‌های داخلی در این کشورها تشکیل شدند (Kousha et al., 2023). این محاکم، با وجود موفقیت نسبی در اجرای آرای خود، همچنان با چالش‌هایی نظیر عدم حمایت دولت‌های محل وقوع جنایات و تأثیرگذاری محدود در سطح بین‌المللی مواجه بودند (Soltani & Shirzhian, 2018). همچنین، محاکم منطقه‌ای نظیر دادگاه حقوق بشر اروپا و دادگاه بین‌آمریکایی حقوق بشر در حوزه حقوق بشر و اجرای تعهدات بین‌المللی نقش مهمی ایفا می‌کنند، اما ضمانت اجرایی این محاکم نیز معمولاً به همکاری دولت‌های عضو بستگی دارد.

در مجموع، تاریخچه و انواع محاکم بین‌المللی نشان می‌دهد که مفهوم ضمانت اجرایی در حقوق بین‌الملل همچنان نیازمند تقویت سازوکارهای حقوقی، سیاسی، و اجرایی است. این تقویت می‌تواند از طریق اصلاحات ساختاری در نهادهای قضایی بین‌المللی، ارتقای همکاری دولت‌ها، و ایجاد مکانیزم‌های الزام‌آور جدید در چارچوب شورای امنیت یا دیگر سازمان‌های بین‌المللی تحقق یابد. با وجود این چالش‌ها، توسعه ضمانت اجرایی در محاکم بین‌المللی می‌تواند نقش مهمی در تقویت عدالت بین‌المللی و حفظ صلح جهانی داشته باشد.

ضمانت اجرایی در محاکم بین‌المللی

ضمانت اجرایی آرای دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) یکی از مهم‌ترین موضوعات در حقوق بین‌الملل است که بر اثربخشی و کارآمدی این دیوان به‌عنوان رکن قضایی اصلی سازمان ملل متحد تأثیر می‌گذارد. دیوان بین‌المللی دادگستری که در سال ۱۹۴۵ بر اساس منشور ملل متحد تأسیس شد، صلاحیت رسیدگی به دعوی میان دولت‌ها و ارائه نظرات مشورتی در موضوعات حقوقی به ارکان و سازمان‌های بین‌المللی

را دارد. اما، با وجود نقش برجسته این دیوان در ترویج عدالت بین‌المللی، مسئله ضمانت اجرایی آرای آن همچنان یکی از چالش‌های اصلی این نهاد قضایی است.

صلاحیت و اختیارات دیوان

صلاحیت و اختیارات دیوان بین‌المللی دادگستری، پایه و اساس عملکرد این نهاد را تشکیل می‌دهد. این دیوان دو نوع صلاحیت اصلی دارد: صلاحیت ترافعی و صلاحیت مشورتی. صلاحیت ترافعی به دعاوی میان دولت‌ها مربوط است که در آن طرفین دعوا باید رضایت خود را برای ارجاع پرونده به دیوان اعلام کنند. این رضایت می‌تواند از طریق معاهدات، اعلامیه‌های یک‌جانبه، یا توافقات خاص تأمین شود (Ghorbanipour et al., 2023). از سوی دیگر، صلاحیت مشورتی به ارائه نظرات حقوقی غیرالزام‌آور درباره مسائل مطرح‌شده از سوی ارکان و نهادهای سازمان ملل متحد محدود می‌شود. با این حال، محدودیت‌های موجود در صلاحیت دیوان باعث شده است تا در بسیاری از موارد، دولت‌ها به دلایل مختلف از ارجاع اختلافات خود به این نهاد خودداری کنند (Kousha et al., 2023).

فرآیند رسیدگی و صدور آرای الزام‌آور

فرآیند رسیدگی و صدور آرای الزام‌آور در دیوان بین‌المللی دادگستری یکی از موضوعات کلیدی در تحلیل ضمانت اجرایی این آرا است. این فرآیند شامل ارائه دادخواست، تعیین صلاحیت، تشکیل جلسات دادرسی، و صدور رأی نهایی می‌شود. آرای صادره در موارد ترافعی الزام‌آور بوده و طرفین دعوا ملزم به اجرای آن هستند. با این حال، اجرای این آرا به توان دیوان در ایجاد سازوکارهای اجرایی مستقل و همکاری دولت‌ها وابسته است (Hosseini Tarazkouhi & Azari, 2011; Karimi Panahan & Setayeshpour, 2023). به عنوان مثال، در پرونده نیکاراگوئه علیه ایالات متحده، با وجود الزام‌آور بودن رأی دیوان، ایالات متحده از اجرای آن خودداری کرد و این مسئله نشان‌دهنده ضعف ضمانت اجرایی در مواردی است که دولت‌های قدرتمند به تعهدات خود پایبند نیستند (Tohidi & Dadashi, 2019) (Ardeshir Moghadam, 2023).

چالش‌های ضمانت اجرا

چالش‌های ضمانت اجرای آرای دیوان بین‌المللی دادگستری عمدتاً به سه حوزه اصلی مرتبط می‌شوند: اول، عدم همکاری دولت‌ها در اجرای آرای صادره؛ دوم، وابستگی دیوان به شورای امنیت سازمان ملل متحد برای تضمین اجرای احکام؛ و سوم، تأثیر ملاحظات سیاسی بر تصمیم‌گیری‌های قضایی. عدم همکاری دولت‌ها یکی از مهم‌ترین موانع پیش روی ضمانت اجرایی است. در بسیاری از موارد، دولت‌ها به دلایل سیاسی یا فقدان تعهدات لازم در سطح داخلی، از اجرای آرای دیوان خودداری می‌کنند. برای نمونه، در پرونده بوسنی علیه صربستان، دیوان در حکمی تاریخی صربستان را به دلیل عدم جلوگیری از نسل‌کشی محکوم کرد، اما این حکم به دلیل ملاحظات سیاسی و عدم همکاری دولت صربستان به طور کامل اجرا نشد (Soltani & Shirzhian, 2018; Zakarhossein, 2022).

وابستگی دیوان به شورای امنیت سازمان ملل متحد برای تضمین اجرای احکام نیز یکی دیگر از نقاط ضعف ساختاری این نهاد است. شورای امنیت می‌تواند در صورت عدم اجرای آرای دیوان، با استفاده از اختیارات خود اقداماتی نظیر تحریم یا فشارهای بین‌المللی را اعمال کند. با این حال، ساختار شورای امنیت و وجود حق وتو برای اعضای دائم آن باعث شده است که در بسیاری از موارد، این نهاد نتواند به طور مؤثر در تضمین اجرای آرای دیوان عمل کند. به عنوان مثال، در پرونده‌ای که میان ایران و ایالات متحده مطرح شد، دیوان رأی به نفع ایران صادر

کرد، اما این رأی به دلیل تحریم‌های یک‌جانبه ایالات متحده و عدم حمایت شورای امنیت، بدون ضمانت اجرا باقی ماند (Daryabegi & Moradinassab, 2022).

تأثیر ملاحظات سیاسی بر تصمیم‌گیری‌های قضایی دیوان نیز یکی دیگر از چالش‌های عمده ضمانت اجرایی است. اگرچه دیوان به‌عنوان یک نهاد مستقل قضایی عمل می‌کند، اما در بسیاری از موارد، تصمیمات آن تحت تأثیر فشارهای سیاسی دولت‌های قدرتمند قرار می‌گیرد. این مسئله نه تنها مشروعیت آرای دیوان را تضعیف می‌کند، بلکه بر توان این نهاد در تضمین اجرای احکام نیز تأثیر منفی می‌گذارد. در پرونده فلسطین علیه اسرائیل، دیوان در نظریه مشورتی خود اعلام کرد که ساخت دیوار حائل در کرانه باختری غیرقانونی است، اما این رأی به دلیل ملاحظات سیاسی و عدم حمایت جامعه بین‌المللی، بدون ضمانت اجرا باقی ماند (Abedini & Hassani, 2022; Ardeshir Moghadam, 2023; Ghahramani & Ziaee, 2023).

برای بهبود ضمانت اجرایی آرای دیوان بین‌المللی دادگستری، پیشنهادهای نظیر تقویت سازوکارهای اجرایی مستقل، ارتقای همکاری دولت‌ها، و اصلاح ساختار شورای امنیت مطرح شده است. تقویت نقش دیوان از طریق افزایش همکاری‌های بین‌المللی و ایجاد مکانیزم‌های الزام‌آور جدید می‌تواند نقش مهمی در رفع این چالش‌ها ایفا کند. همچنین، تلاش برای کاهش تأثیر ملاحظات سیاسی بر تصمیم‌گیری‌های دیوان می‌تواند به تقویت مشروعیت و اثربخشی این نهاد کمک کند.

ضمانت اجرایی آرای دیوان کیفری بین‌المللی (ICC)

دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) به‌عنوان نخستین دادگاه دائمی کیفری بین‌المللی، در سال ۱۹۹۸ بر اساس اساسنامه رم تأسیس شد و رسماً از سال ۲۰۰۲ آغاز به کار کرد. این دیوان به‌منظور مقابله با مهم‌ترین جرایم بین‌المللی شامل جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت، و نسل‌کشی ایجاد شد و هدف اصلی آن ارتقای عدالت کیفری بین‌المللی و جلوگیری از بی‌کیفرمانی مجرمان بین‌المللی بود. با این حال، مسئله ضمانت اجرایی آرای صادره از این دیوان به دلیل ماهیت غیرمتمرکز نظام بین‌المللی، وابستگی به همکاری دولت‌ها، و محدودیت‌های ساختاری، یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های پیش روی این نهاد محسوب می‌شود.

چارچوب اساسنامه رم

چارچوب اساسنامه رم، که مبنای قانونی دیوان کیفری بین‌المللی است، نقش کلیدی در تعریف وظایف و اختیارات این دیوان و همچنین سازوکارهای ضمانت اجرایی دارد. اساسنامه رم صلاحیت دیوان را به جرایم بسیار جدی محدود کرده است که تهدیدی برای جامعه بین‌المللی به شمار می‌روند. بر اساس ماده ۵ این اساسنامه، دیوان تنها صلاحیت رسیدگی به جنایات نسل‌کشی، جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت، و جنایت تجاوز را دارد (Azizi & Biglarbeigi, 2023). این اساسنامه همچنین اصولی نظیر تکمیلی بودن صلاحیت دیوان و تمرکز بر مسئولیت کیفری فردی را معرفی کرده است. اصل تکمیلی بودن به این معنا است که دیوان تنها زمانی مداخله می‌کند که دولت‌های عضو قادر به انجام تحقیقات یا دادرسی نباشند یا تمایلی به این کار نداشته باشند (Hosseini Tarazkouhi & Azari, 2011). این اصل، اگرچه می‌تواند از تداخل دیوان در امور داخلی دولت‌ها جلوگیری کند، اما به دلیل وابستگی شدید به همکاری دولت‌ها، به یکی از چالش‌های اصلی در اجرای آرای دیوان تبدیل شده است.

مسائل مرتبط با جرایم بین‌المللی

یکی از مهم‌ترین مسائل مرتبط با ضمانت اجرایی در دیوان کیفری بین‌المللی به جرایم بین‌المللی مورد رسیدگی این دیوان مربوط می‌شود. جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت، و نسل‌کشی، به‌عنوان جرایمی که علیه امنیت و حقوق بنیادین بشر ارتکاب می‌یابند، تمرکز اصلی دیوان هستند. این جرایم اغلب در شرایط بحران‌های داخلی یا بین‌المللی و در مناطقی رخ می‌دهند که دولت‌ها توانایی یا تمایل کافی برای پیگرد قانونی عاملان را ندارند (Soltani & Shirzhan, 2018). به‌عنوان مثال، در پرونده‌های مربوط به رواندا و یوگسلاوی سابق، جنایات گسترده‌ای نظیر قتل‌عام، تجاوز، و آوارگی اجباری رخ داد که نیاز به پاسخگویی قضایی در سطح بین‌المللی را آشکار ساخت (کرمی، ۱۳۹۸). با این حال، این جرایم به دلیل پیچیدگی‌های خاص خود، نظیر ماهیت فراملی و درگیری عوامل مختلف، چالش‌هایی جدی برای دیوان کیفری بین‌المللی در تضمین اجرای احکام ایجاد کرده‌اند.

چالش‌های همکاری دولتی در اجرای آرای دیوان

در کنار پیچیدگی‌های ماهوی جرایم بین‌المللی، چالش‌های همکاری دولتی نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در میزان موفقیت ضمانت اجرایی آرای دیوان کیفری بین‌المللی ایفا می‌کند. بر اساس اساسنامه رم، اجرای دستورات و احکام دیوان به همکاری دولت‌های عضو بستگی دارد. این همکاری شامل ارائه اسناد و مدارک، بازداشت و انتقال متهمان، و اجرای احکام صادره است (Zarei & Barzgarzadeh, 2023). اما در عمل، همکاری دولت‌ها اغلب تحت تأثیر ملاحظات سیاسی و منافع ملی قرار می‌گیرد. به‌عنوان مثال، در پرونده عمر البشیر، رئیس‌جمهور سابق سودان، با وجود صدور حکم بازداشت از سوی دیوان، بسیاری از دولت‌های عضو اساسنامه رم از اجرای این حکم خودداری کردند. این مسئله نشان‌دهنده ضعف سازوکارهای الزام‌آور دیوان در برابر دولت‌هایی است که اولویت‌های سیاسی یا اقتصادی را بر تعهدات حقوقی خود ترجیح می‌دهند (Farhadi Babadi et al., 2023).

یکی دیگر از نمونه‌های برجسته چالش همکاری دولتی، مربوط به پرونده قذافی است. در این پرونده، دولت لیبی به‌عنوان یکی از دولت‌های درگیر در اساسنامه رم، از همکاری با دیوان کیفری بین‌المللی در تحویل سیف‌الاسلام قذافی امتناع کرد. این امتناع باعث شد که دیوان نتواند فرآیند دادرسی را تکمیل کند و پرونده با تأخیرهای جدی مواجه شود (Gholami & Seyedzadeh Sani, 2020). چنین مواردی نشان می‌دهد که حتی در شرایطی که دیوان صلاحیت کامل برای رسیدگی به پرونده‌ای دارد، بدون همکاری دولت‌ها امکان اجرای آرای آن محدود می‌شود.

در مواجهه با این چالش‌ها، دیوان کیفری بین‌المللی به نهادهایی نظیر شورای امنیت سازمان ملل متحد برای اعمال فشار بر دولت‌ها متکی است. شورای امنیت، بر اساس اختیارات خود، می‌تواند دولت‌ها را ملزم به همکاری با دیوان کند یا تحریم‌هایی را علیه دولت‌های متخلف اعمال کند. اما در عمل، استفاده از این اختیارات نیز تحت تأثیر منافع سیاسی و وجود حق وتو برای اعضای دائم شورای امنیت قرار دارد. به‌عنوان مثال، در برخی موارد، حمایت یکی از اعضای دائم شورای امنیت از دولت متهم باعث شده است که شورای امنیت نتواند اقدامات لازم را برای تضمین اجرای آرای دیوان انجام دهد (Ghahramani & Ziaee, 2023).

برای بهبود ضمانت اجرایی آرای دیوان کیفری بین‌المللی، نیاز به تقویت سازوکارهای الزام‌آور و کاهش وابستگی به همکاری دولت‌ها وجود دارد. یکی از راهکارهای پیشنهادی، ایجاد یک نیروی اجرایی مستقل برای دیوان است که بتواند بدون وابستگی به دولت‌ها، احکام صادره را اجرا کند. علاوه بر این، اصلاح ساختار شورای امنیت و کاهش تأثیر ملاحظات سیاسی بر تصمیم‌گیری‌های این نهاد می‌تواند نقش مهمی در

تضمین همکاری دولت‌ها با دیوان ایفا کند. همچنین، تشویق دولت‌ها به تصویب قوانین داخلی منطبق با اصول اساسنامه رم و تعهد به اجرای این قوانین می‌تواند از بروز موانع اجرایی در سطح ملی جلوگیری کند.

ضمانت اجرایی آرای محاکم منطقه‌ای و خاص

محاکم منطقه‌ای و خاص نقش مهمی در توسعه حقوق بین‌الملل و ایجاد نظامی برای مقابله با بی‌کیفرمانی مجرمان بین‌المللی ایفا کرده‌اند. این محاکم، که به‌طور معمول در واکنش به بحران‌های خاص یا درگیری‌های محلی تأسیس می‌شوند، با هدف ایجاد عدالت، پاسخگویی به قربانیان، و تضمین اجرای آرای خود عمل می‌کنند. ضمانت اجرایی آرای این محاکم اما تحت تأثیر عوامل مختلفی نظیر ساختار حقوقی، همکاری دولت‌ها، و پشتیبانی بین‌المللی قرار دارد. در میان این محاکم، دادگاه رواندا، دادگاه یوگسلاوی سابق، و دادگاه توکیو از برجسته‌ترین نمونه‌ها هستند که بررسی چگونگی ضمانت اجرای آرای آن‌ها ابعاد مهمی از حقوق بین‌الملل کیفری را آشکار می‌کند.

دادگاه رواندا

دادگاه رواندا که به‌عنوان دادگاه کیفری بین‌المللی برای رواندا (ICTR) شناخته می‌شود، در سال ۱۹۹۴ توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد تأسیس شد. این دادگاه با هدف پیگرد عاملان نسل‌کشی رواندا و دیگر نقض‌های جدی حقوق بشر دوستانه در این کشور ایجاد شد. نسل‌کشی رواندا یکی از وحشتناک‌ترین فجایع بشری قرن بیستم بود که در آن صدها هزار نفر کشته و میلیون‌ها نفر آواره شدند. دادگاه رواندا توانست با استفاده از حمایت شورای امنیت و جامعه بین‌المللی، آرای مهمی صادر کند که به تبیین اصول حقوق بین‌الملل کیفری کمک کرد. به‌عنوان مثال، این دادگاه توانست مفهوم نسل‌کشی را با دقت بیشتری تعریف کرده و جنایاتی نظیر تجاوز به عنف را به‌عنوان مصداقی از نسل‌کشی شناسایی کند (Karami, 2019). با این حال، ضمانت اجرایی آرای این دادگاه همچنان به همکاری دولت‌های محلی و سازمان‌های بین‌المللی وابسته بود. یکی از چالش‌های اصلی دادگاه رواندا، دستگیری و تحویل متهمان اصلی به دادگاه بود. در مواردی، دولت‌های منطقه‌ای به دلایل سیاسی یا نبود ظرفیت کافی از همکاری با دادگاه امتناع می‌ورزیدند که این امر تأثیر منفی بر اجرای کامل آرای دادگاه داشت (Chapari & Shaygan Fard, 2017).

دادگاه یوگسلاوی سابق

دادگاه یوگسلاوی سابق، به‌عنوان دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق (ICTY)، نمونه دیگری از محاکم ویژه است که در سال ۱۹۹۳ تأسیس شد. این دادگاه با هدف رسیدگی به جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت، و نسل‌کشی که در جریان درگیری‌های یوگسلاوی سابق رخ داد، ایجاد شد. دادگاه یوگسلاوی سابق یکی از اولین محاکمی بود که به‌طور مؤثر توانست رهبران بلندپایه نظامی و سیاسی را به‌دلیل نقض‌های حقوق بین‌الملل مورد محاکمه قرار دهد. پرونده‌هایی نظیر محاکمه اسلوبودان میلوشویچ، رئیس‌جمهور سابق صربستان، و رادوان کارادزیچ، رهبر سیاسی صرب‌های بوسنی، نشان‌دهنده قدرت این دادگاه در مقابله با بی‌کیفرمانی بود (Soltani & Shirzhian, 2018). اما چالش‌های ضمانت اجرایی در این دادگاه نیز به وضوح دیده می‌شد. یکی از مشکلات عمده این بود که دولت‌های محلی و منطقه‌ای، به‌ویژه در ابتدای تأسیس دادگاه، همکاری لازم برای دستگیری و تحویل متهمان را نداشتند. برای مثال، رادکو ملادیچ، فرمانده نظامی صرب‌ها، سال‌ها پس از پایان درگیری‌ها تحت تعقیب باقی ماند تا اینکه در نهایت در سال ۲۰۱۱ دستگیر و به دادگاه تحویل داده شد. این تأخیرها نشان‌دهنده ضعف ساختاری در ضمانت اجرایی آرای این دادگاه و وابستگی بیش از حد آن به همکاری دولت‌ها بود (Farhadi Babadi et al., 2023).

دادگاه توکیو

دادگاه توکیو که به‌عنوان دادگاه نظامی بین‌المللی برای شرق دور (IMTFE) شناخته می‌شود، یکی از نخستین محاکم بین‌المللی بود که پس از جنگ جهانی دوم برای محاکمه جنایات جنگی تأسیس شد. این دادگاه در سال ۱۹۴۶ با هدف رسیدگی به جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت توسط مقامات ژاپنی در طول جنگ جهانی دوم تشکیل شد. دادگاه توکیو، مشابه دادگاه نورنبرگ در اروپا، توانست رهبران نظامی و سیاسی بلندپایه ژاپن را به‌دلیل ارتکاب جنایات سنگین محکوم کند. از مهم‌ترین موفقیت‌های این دادگاه می‌توان به صدور احکام برای رهبران ارشد ژاپن، از جمله نخست‌وزیر هیده‌کی توجو، اشاره کرد (Chapari & Shaygan Fard, 2017). با این حال، ضمانت اجرایی آرای این دادگاه نیز به‌طور عمده به حمایت نظامی و سیاسی متفقین بستگی داشت. به عبارت دیگر، قدرت اجرایی این دادگاه بیشتر از طریق اعمال فشارهای نظامی و سیاسی تأمین می‌شد و نه از طریق یک سازوکار حقوقی مستقل (قربانی‌پور و همکاران، ۱۴۰۲).

یکی از مسائل مشترک در ضمانت اجرایی آرای این محاکم، فقدان نیروی اجرایی مستقل بود. هر سه دادگاه به‌طور عمده به همکاری دولت‌ها، حمایت شورای امنیت، یا فشارهای نظامی و سیاسی وابسته بودند. این امر نه تنها بر سرعت و کارآمدی اجرای آرای این محاکم تأثیر می‌گذاشت، بلکه در برخی موارد باعث می‌شد که عدالت کامل تحقق نیابد. به‌عنوان مثال، در دادگاه رواندا، بسیاری از عاملان نسل‌کشی همچنان در کشورهای مختلف پناه گرفته‌اند و با وجود صدور احکام از سوی دادگاه، به‌دلیل فقدان همکاری بین‌المللی بازداشت نشده‌اند (Zarei & Barzgarzadeh, 2023). در دادگاه یوگسلاوی سابق نیز، تأخیر در دستگیری برخی از متهمان کلیدی نشان‌دهنده ضعف در سازوکارهای ضمانت اجرا بود. در دادگاه توکیو، اگرچه متفقین توانستند آرای دادگاه را به‌طور کامل اجرا کنند، اما این ضمانت اجرا بیشتر به دلیل شرایط خاص پس از جنگ جهانی دوم و تسلط نظامی متفقین بر ژاپن امکان‌پذیر شد (Soltani & Shirzhian, 2018).

در مجموع، ضمانت اجرایی آرای محاکم منطقه‌ای و خاص همچنان به‌عنوان یکی از چالش‌های اساسی در نظام حقوق بین‌الملل کیفری باقی مانده است. اگرچه این محاکم توانسته‌اند با موفقیت به جنایات بین‌المللی رسیدگی کنند و اصول حقوق بین‌الملل را توسعه دهند، اما مشکلاتی نظیر وابستگی به دولت‌ها، تأثیر ملاحظات سیاسی، و فقدان سازوکارهای اجرایی مستقل، اثربخشی کامل آرای آن‌ها را محدود کرده است. برای بهبود این وضعیت، تقویت سازوکارهای الزام‌آور بین‌المللی، ارتقای همکاری دولت‌ها، و ایجاد نیروهای اجرایی مستقل می‌تواند به‌عنوان راهکارهای عملی مطرح شود.

بررسی عوامل مؤثر بر ضمانت اجرایی

ضمانت اجرایی در محاکم بین‌المللی تحت تأثیر عوامل متعددی است که می‌تواند بر کارآمدی و اثربخشی این نهادها تأثیر بگذارد. این عوامل، از همکاری یا عدم همکاری دولت‌ها تا تأثیرات سیاسی و حقوقی، و نقش نهادهای بین‌المللی مانند شورای امنیت سازمان ملل، ساختار و عملکرد ضمانت اجرای آرای بین‌المللی را شکل می‌دهند. همچنین، مقایسه ضمانت اجرایی محاکم بین‌المللی با محاکم داخلی می‌تواند چشم‌اندازی جامع برای درک نقاط ضعف و قوت این نظام‌ها ارائه دهد.

یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر ضمانت اجرایی آرای بین‌المللی، همکاری یا عدم همکاری دولت‌ها است. در نظام حقوق بین‌الملل، دولت‌ها تابعان اصلی محسوب می‌شوند و اجرای بسیاری از آرای بین‌المللی به تعهد و همکاری آن‌ها بستگی دارد. در عمل، دولت‌ها به دلایل سیاسی، اقتصادی، یا منافع ملی ممکن است از اجرای آرای بین‌المللی سر باز زنند یا با محاکم همکاری نکنند. به‌عنوان مثال، در پرونده عمر البشیر، رئیس‌جمهور سابق سودان، با وجود صدور حکم بازداشت از سوی دیوان کیفری بین‌المللی، برخی دولت‌های عضو اساسنامه رم از اجرای این

حکم خودداری کردند. این امتناع به دلایل مختلفی از جمله روابط دیپلماتیک و اقتصادی با سودان صورت گرفت و نشان‌دهنده ضعف سازوکارهای الزام‌آور در نظام بین‌المللی بود (Hosseini Tarazkouhi & Azari, 2011). همچنین، در پرونده سیف‌الاسلام قذافی، دولت لیبی از همکاری با دیوان کیفری بین‌المللی امتناع ورزید، که این موضوع باعث تأخیر در اجرای عدالت شد (Gholami & Seyedzadeh, 2020). این موارد تأکید می‌کنند که حتی در نظام‌هایی که آرای قضایی از الزام‌آوری قانونی برخوردارند، عدم همکاری دولت‌ها می‌تواند به‌طور جدی بر ضمانت اجرایی تأثیر منفی بگذارد.

تأثیرات سیاسی و حقوقی نیز نقش مهمی در میزان اثربخشی ضمانت اجرایی آرای بین‌المللی دارند. تصمیمات محاکم بین‌المللی اغلب در بستری سیاسی اتخاذ می‌شوند و اجرای آن‌ها نیز می‌تواند به ملاحظات سیاسی وابسته باشد. برای مثال، در پرونده‌ای که دیوان بین‌المللی دادگستری میان ایران و ایالات متحده رسیدگی کرد، اگرچه دیوان رأیی به نفع ایران صادر کرد، اما به دلیل تحریم‌های یک‌جانبه ایالات متحده و عدم حمایت سایر دولت‌ها، این رأی بدون ضمانت اجرا باقی ماند (Daryabegi & Moradinassab, 2022). علاوه بر این، تأثیرات حقوقی ناشی از تضاد میان قوانین داخلی دولت‌ها و تعهدات بین‌المللی نیز می‌تواند مانعی بر سر راه اجرای احکام باشد. برخی دولت‌ها با استناد به اصل حاکمیت ملی یا تضاد با قوانین داخلی خود، از اجرای آرای بین‌المللی خودداری می‌کنند، که این مسئله مشروعیت و کارآمدی محاکم بین‌المللی را به چالش می‌کشد (Ghahramani & Ziaee, 2023).

شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز نقشی حیاتی در ضمانت اجرای آرای بین‌المللی ایفا می‌کند. این نهاد، که بر اساس منشور سازمان ملل متحد اختیارات گسترده‌ای در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی دارد، می‌تواند از ابزارهایی نظیر تحریم، فشار دیپلماتیک، یا حتی استفاده از نیروهای نظامی برای اجرای آرای بین‌المللی استفاده کند. با این حال، نقش شورای امنیت نیز به دلیل ساختار آن و وجود حق وتو برای اعضای دائم، با محدودیت‌های جدی همراه است. به‌عنوان مثال، در مواردی که یکی از اعضای دائم شورای امنیت از دولت متهم حمایت می‌کند، این نهاد نمی‌تواند به‌طور مؤثر برای اجرای آرای بین‌المللی عمل کند. در پرونده فلسطین علیه اسرائیل، دیوان بین‌المللی دادگستری نظریه مشورتی صادر کرد که ساخت دیوار حائل را غیرقانونی دانست، اما به دلیل حمایت ایالات متحده از اسرائیل و عدم اقدام شورای امنیت، این رأی بدون ضمانت اجرا باقی ماند (Ghorbanipour et al., 2023). این نشان‌دهنده این است که وابستگی به شورای امنیت می‌تواند یکی از نقاط ضعف ساختاری در نظام ضمانت اجرایی محاکم بین‌المللی باشد.

مقایسه ضمانت اجرایی محاکم بین‌المللی با محاکم داخلی، تفاوت‌های اساسی میان این دو نظام را آشکار می‌سازد. در محاکم داخلی، دولت‌ها دارای ارکان اجرایی مستقل نظیر پلیس و دستگاه قضایی هستند که می‌توانند احکام دادگاه‌ها را به‌طور مستقیم اجرا کنند. این سازوکارهای اجرایی به دلیل ارتباط نزدیک با نظام حقوقی و اداری داخلی، از کارآمدی بیشتری برخوردارند. اما در محاکم بین‌المللی، فقدان نیروی اجرایی مستقل و وابستگی به همکاری دولت‌ها باعث شده است که اجرای احکام به‌طور مستقیم تحت کنترل این محاکم نباشد (Soltani & Shirzhan, 2018). علاوه بر این، در نظام‌های داخلی، دولت‌ها معمولاً تعهدات قوی‌تری برای اجرای احکام دارند، چراکه عدم اجرا می‌تواند به بی‌ثباتی داخلی یا از دست دادن مشروعیت سیاسی منجر شود. اما در سطح بین‌المللی، نبود این نوع تعهدات مستقیم باعث شده است که دولت‌ها به‌راحتی از اجرای احکام بین‌المللی خودداری کنند.

به‌رغم این چالش‌ها، محاکم بین‌المللی از اهمیت بالایی در ارتقای عدالت جهانی و کاهش بی‌کیفرمانی برخوردارند. بهبود ضمانت اجرایی در این محاکم نیازمند اصلاحات ساختاری و تقویت همکاری‌های بین‌المللی است. ایجاد سازوکارهای الزام‌آور، تشویق دولت‌ها به تصویب قوانین

داخلی منطبق با تعهدات بین‌المللی، و کاهش تأثیرات سیاسی بر فرآیندهای قضایی می‌تواند به تقویت نظام ضمانت اجرایی آراء بین‌المللی کمک کند.

بحث

تحلیل ضمانت اجرایی آراء محاکم بین‌المللی یکی از ابعاد مهم حقوق بین‌الملل است که با چالش‌ها و خلأهای متعددی مواجه است. یکی از اساسی‌ترین چالش‌های موجود، وابستگی شدید این محاکم به همکاری دولت‌ها برای اجرای آراء صادره است. برخلاف محاکم داخلی که از ابزارهای اجرایی مستقلی نظیر پلیس و نیروی قضایی برخوردارند، محاکم بین‌المللی چنین قدرتی را ندارند و اجرای آراء آنها عمدتاً به تعهدات و تمایل دولت‌ها بستگی دارد. این وابستگی، در مواردی که دولت‌ها تمایل به اجرای آراء صادره ندارند یا منافع ملی خود را بر تعهدات بین‌المللی ترجیح می‌دهند، به مانعی جدی تبدیل می‌شود (Hosseini Tarazkouhi & Azari, 2011). به‌عنوان مثال، در پرونده عمر البشیر، رئیس‌جمهور سابق سودان، با وجود صدور حکم بازداشت از سوی دیوان کیفری بین‌المللی، دولت‌های متعددی از تحویل وی به دیوان خودداری کردند، که این امر نشان‌دهنده ضعف سازوکارهای الزام‌آور در سطح بین‌المللی است (Gholami & Seyedzadeh Sani, 2020).

علاوه بر این، یکی از خلأهای موجود در ضمانت اجرایی، نبود یک نیروی اجرایی مستقل برای محاکم بین‌المللی است. در غیاب چنین نیرویی، محاکم بین‌المللی باید برای اجرای آراء خود به نهادهایی نظیر شورای امنیت سازمان ملل متحد متکی باشند. اما شورای امنیت نیز به دلیل ساختار سیاسی و وجود حق وتو برای اعضای دائم، در بسیاری از موارد قادر به اعمال فشار کافی برای اجرای آراء بین‌المللی نیست. به‌عنوان مثال، در پرونده فلسطین علیه اسرائیل، دیوان بین‌المللی دادگستری اعلام کرد که ساخت دیوار حائل غیرقانونی است، اما به دلیل حمایت ایالات متحده از اسرائیل و عدم اقدام شورای امنیت، این رأی بدون ضمانت اجرا باقی ماند (Ghahramani & Ziaee, 2023). این مسئله نشان می‌دهد که ساختار فعلی نظام بین‌المللی فاقد ابزارهای کافی برای تضمین اجرای آراء محاکم است.

تأثیر آراء محاکم بین‌المللی بر نظم حقوقی جهانی نیز یکی از موضوعات مهم در این حوزه است. محاکم بین‌المللی، از جمله دیوان بین‌المللی دادگستری و دیوان کیفری بین‌المللی، از طریق صدور آراء الزام‌آور و ارائه نظرات مشورتی، نقش مهمی در توسعه حقوق بین‌الملل و تقویت نظم حقوقی جهانی ایفا می‌کنند. این محاکم توانسته‌اند اصول حقوقی جدیدی را تعریف کرده و مفاهیمی نظیر نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت، و جنایات جنگی را با دقت بیشتری تبیین کنند (Soltani & Shirzhian, 2018). به‌عنوان مثال، در دادگاه رواندا، مفهوم تجاوز به عنف به‌عنوان مصداقی از نسل‌کشی شناسایی شد، که این امر به توسعه حقوق بین‌الملل کیفری کمک شایانی کرد (Karami, 2019).

با این حال، تأثیر آراء محاکم بین‌المللی بر نظم حقوقی جهانی به میزان اجرای این آراء بستگی دارد. در مواردی که آراء صادره اجرا نمی‌شوند یا دولت‌ها از همکاری با محاکم خودداری می‌کنند، تأثیر این آراء بر نظم حقوقی محدود می‌شود. به‌عنوان مثال، در پرونده نیکاراگوئه علیه ایالات متحده، اگرچه دیوان بین‌المللی دادگستری رأی به نفع نیکاراگوئه صادر کرد، اما ایالات متحده از اجرای این رأی خودداری کرد، که این امر به بی‌اعتمادی به محاکم بین‌المللی و کاهش اعتبار آنها منجر شد (Daryabegi & Moradinassab, 2022). این موارد نشان می‌دهند که برای تقویت نظم حقوقی جهانی، نیاز به سازوکارهای ضمانت اجرایی قوی‌تر و همکاری بیشتر دولت‌ها وجود دارد.

ضمانت اجرایی آراء محاکم بین‌المللی همچنین تأثیر مستقیمی بر صلح و امنیت بین‌المللی دارد. این محاکم با رسیدگی به جرایم بین‌المللی جدی و محاکمه عاملان آنها، نقش مهمی در جلوگیری از بی‌کیفرمانی و تقویت عدالت جهانی ایفا می‌کنند. برای مثال، دادگاه یوگسلاوی

سابق توانست با محاکمه رهبران بلندپایه نظامی و سیاسی، به بازسازی صلح در منطقه کمک کند و مانع از تکرار درگیری‌های مشابه شود (Soltani & Shirzhian, 2018). اما در مواردی که آرای محاکم اجرا نمی‌شوند، این محاکم ممکن است نتوانند نقش خود را در حفظ صلح و امنیت به‌طور کامل ایفا کنند. به‌عنوان مثال، در پرونده رواندا، بسیاری از عاملان نسل‌کشی به‌دلیل عدم همکاری دولت‌ها و ضعف در سازوکارهای اجرایی، همچنان آزاد هستند، که این امر تهدیدی برای ثبات و امنیت منطقه‌ای محسوب می‌شود (Chapari & Shaygan, 2017).

در مجموع، تحلیل چالش‌ها و خلأهای موجود در ضمانت اجرایی آرای بین‌المللی نشان می‌دهد که این حوزه نیازمند اصلاحات گسترده در ساختار و عملکرد نهادهای بین‌المللی است. تقویت سازوکارهای الزام‌آور، ارتقای همکاری‌های بین‌المللی، و کاهش تأثیر ملاحظات سیاسی می‌تواند به بهبود ضمانت اجرایی و افزایش تأثیر این آرای بر نظم حقوقی جهانی و صلح و امنیت بین‌المللی کمک کند.

نتیجه‌گیری

ضمانت اجرایی آرای صادره از محاکم بین‌المللی یکی از مسائل بنیادین حقوق بین‌الملل است که نقش کلیدی در توسعه عدالت جهانی، حفظ نظم حقوقی، و تقویت صلح و امنیت بین‌المللی ایفا می‌کند. این محاکم، از جمله دیوان بین‌المللی دادگستری و دیوان کیفری بین‌المللی، با صدور آرای الزام‌آور و ارائه تفسیرهای حقوقی، ابزارهای مهمی برای مقابله با بی‌کیفرمانی و حل اختلافات بین‌المللی محسوب می‌شوند. با این حال، ضمانت اجرایی این آرای قضایی همچنان با چالش‌های متعددی روبه‌رو است که نیازمند توجه جدی و اصلاحات بنیادین است. وابستگی محاکم بین‌المللی به همکاری دولت‌ها و حمایت نهادهای بین‌المللی نظیر شورای امنیت، مهم‌ترین مانع در تحقق ضمانت اجرایی آرای آن‌هاست. دولت‌ها اغلب به دلایل سیاسی یا منافع ملی از همکاری با این محاکم خودداری می‌کنند، که این امر توان محاکم را در اجرای عدالت محدود می‌سازد. علاوه بر این، نبود نیروی اجرایی مستقل و ضعف سازوکارهای الزام‌آور، مشروعیت و اعتبار محاکم بین‌المللی را به چالش کشیده است. این مشکلات در مواردی منجر به عدم اجرای آرای محاکم و ایجاد بی‌اعتمادی نسبت به نظام بین‌المللی شده است. با وجود این چالش‌ها، محاکم بین‌المللی توانسته‌اند با تبیین اصول حقوقی جدید و محاکمه عاملان جرایم بین‌المللی، نقشی مهم در ارتقای حقوق بین‌الملل و تقویت نظم جهانی ایفا کنند. برای بهبود ضمانت اجرایی آرای این محاکم، تقویت همکاری‌های بین‌المللی، ایجاد سازوکارهای الزام‌آور مستقل، و کاهش تأثیر ملاحظات سیاسی بر فرآیندهای قضایی ضروری است. این اصلاحات می‌تواند به افزایش کارآمدی محاکم، تقویت عدالت بین‌المللی، و ارتقای صلح و امنیت جهانی کمک کند.

در نهایت، توسعه سازوکارهای ضمانت اجرایی مؤثر، نه تنها به افزایش اعتماد جامعه جهانی به محاکم بین‌المللی منجر خواهد شد، بلکه پایه‌ای برای ایجاد نظام حقوقی بین‌المللی منسجم‌تر و عادلانه‌تر خواهد بود. دستیابی به این هدف نیازمند همبستگی دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی و تعهد جدی به اجرای عدالت در سطح جهانی است.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

The enforceability of judgments issued by international courts remains a cornerstone of international law, pivotal to promoting justice, ensuring compliance with global legal standards, and maintaining international peace and security. Courts such as the International Court of Justice (ICJ), the International Criminal Court (ICC), and other special or regional tribunals were established to uphold these principles. Despite their mandates, these courts face significant challenges in enforcing their judgments, often linked to state cooperation, political interference, and institutional limitations. Understanding these challenges and exploring pathways for reform is essential for strengthening the international justice system and promoting the rule of law.

The ICJ, as the principal judicial organ of the United Nations, holds jurisdiction over inter-state disputes and provides advisory opinions on legal questions. Its judgments in contentious cases are binding, yet their enforceability relies heavily on state compliance and the political will of the involved parties. The ICJ has contributed significantly to the development of international legal norms, including those related to territorial disputes and state responsibility. However, its reliance on voluntary state cooperation and the lack of an independent enforcement mechanism often undermine its effectiveness. Cases like *Nicaragua v. United States* illustrate this limitation, where the lack of U.S. compliance with the ICJ's judgment weakened the court's authority and credibility (Daryabegi & Moradinassab, 2022). Such instances highlight the need for stronger mechanisms to ensure compliance with ICJ judgments, particularly when dealing with powerful states.

The ICC, established under the Rome Statute, represents a landmark in international criminal law by holding individuals accountable for genocide, war crimes, crimes against humanity, and aggression. While the ICC's jurisdiction is complementary to national legal systems, its effectiveness is hindered by its dependency on state cooperation for investigations, arrests, and the execution of judgments. High-profile cases, such as those involving Omar al-Bashir, the former president of Sudan, underscore these challenges. Despite arrest warrants issued by the ICC, many states refused to arrest and extradite Bashir, citing political and diplomatic considerations (Ghorbanipour et al., 2023). This lack of cooperation demonstrates the ICC's vulnerability in enforcing its rulings and emphasizes the need for binding international frameworks that compel state compliance without compromising their sovereignty.

Special and regional tribunals, such as the International Criminal Tribunal for Rwanda (ICTR), the International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia (ICTY), and the International Military Tribunal for the Far East (Tokyo Tribunal), have also faced unique challenges in ensuring enforcement. These courts were established to address specific crises and hold perpetrators accountable for serious crimes. The ICTR, for instance, played a crucial role in addressing the Rwandan genocide by convicting key figures and defining sexual violence as an act of genocide (Karami, 2019). However, its reliance on state cooperation for arresting and extraditing suspects limited its reach. Similarly, the ICTY, while achieving significant convictions like that of Slobodan Milošević, faced delays due to the non-cooperation of regional authorities and political actors (Soltani & Shirzhian, 2018). The Tokyo Tribunal, although successful in prosecuting Japanese war criminals, operated under the influence of Allied powers, raising questions about its impartiality and the selective application of justice. These examples underscore the need for more independent and globally supported enforcement mechanisms for special and regional tribunals.

The influence of political and legal factors on enforcement cannot be overstated. Many international judgments remain unenforced due to political resistance or competing legal frameworks at the domestic level. States may cite sovereignty concerns or conflicting domestic laws as reasons for non-compliance, undermining the authority of international courts. In the case of *Palestine v. Israel*, the

ICJ declared the construction of Israel's separation wall as illegal. However, the absence of enforcement action, largely due to political support for Israel by powerful states, rendered the judgment ineffective (Ghahramani & Ziaee, 2023). These instances demonstrate the interplay between politics and law, where international legal decisions are often subverted by geopolitical considerations. Reducing political interference and aligning domestic legal systems with international obligations are vital for bridging this gap and ensuring consistent enforcement.

The role of the United Nations Security Council in enforcing international court judgments further highlights the complexities of the enforcement process. As the primary body responsible for maintaining international peace and security, the Security Council possesses the authority to implement enforcement measures, including sanctions and military interventions. However, its ability to act is often hampered by the veto power held by its permanent members, which allows them to block resolutions based on their national interests. This structural limitation has frequently undermined the enforceability of international court judgments. For instance, in cases where powerful states were directly implicated or politically aligned with non-compliant states, the Security Council has failed to take meaningful action to enforce compliance (Daryabegi & Moradinassab, 2022). Reforming the Security Council to ensure impartiality and enhancing its support for international courts could significantly improve the enforcement landscape.

Comparing the enforcement mechanisms of international courts with those of domestic judicial systems reveals stark contrasts. Domestic courts typically benefit from centralized enforcement structures, including police and judicial authorities, which ensure the execution of judgments. In contrast, international courts lack direct enforcement powers, relying instead on state cooperation and international institutions. This fundamental difference highlights the structural challenges faced by international courts in achieving the same level of effectiveness as their domestic counterparts (Soltani & Shirzhian, 2018). While domestic courts operate within a defined jurisdiction, international courts must navigate the complexities of state sovereignty and the absence of a unified global authority. Bridging this gap requires innovative solutions, such as the establishment of an international enforcement body or the integration of international legal obligations into domestic legal frameworks.

In conclusion, the enforceability of judgments issued by international courts remains a critical challenge in the pursuit of global justice and the rule of law. The reliance on state cooperation, the influence of political and legal factors, and the structural limitations of enforcement mechanisms have collectively hindered the effectiveness of these courts. Nonetheless, international courts have made significant contributions to the development of international legal norms and the promotion of accountability for serious crimes. Strengthening enforcement mechanisms, reducing political interference, and fostering greater international cooperation are essential steps toward ensuring the consistent and effective enforcement of international court judgments. These reforms not only enhance the credibility of international courts but also reinforce the global commitment to justice, peace, and the rule of law.

References

- Abedini, A., & Hassani, S. (2022). The role of Iranian courts in implementing international law. *Legal Researches*, 21(51), 7-38.
- Ardeshir Moghadam, M. (2023). The legal nature and enforcement of interim orders of the International Court of Justice in light of the court's practice and states' behavior. *International Legal Researches*, 16(59), 191-222.

- Azizi, S., & Biglarbeigi, K. (2023). Consequences of establishing an independent international fact-finding committee for Iran in international criminal law. *International Studies Quarterly*, 8(10), 45-56.
- Chapari, M. A., & Shaygan Fard, M. (2017). Criminal responsibility in international crimes and its confrontation with the discourse of immunity. *International Legal Researches*, 10(37), 59-92.
- Daryabegi, K., & Moradinassab, S. (2022). The doctrine of jurisdictional immunity within the UN legal framework. *Legal Researches*, 21(52), 147-187.
- Farhadi Babadi, F., Salimi, S., & Shamloo, S. (2023). A reflection on theoretical and practical aspects of third states' cooperation with the ICC. *Legal Researches*, 22(54), 41-68.
- Ghahramani, M., & Ziaee, S. Y. (2023). The judicial mission of the ICJ versus the political actions of the UN Security Council in international disputes. *Iranian Policy Studies*, 10(2), 127-148.
- Gholami, M., & Seyedzadeh Sani, S. M. (2020). Complementary and inherent jurisdiction of the ICC (Saif al-Islam Gaddafi case). *Iranian Journal of International Politics*, 9(1), 171-192.
- Ghorbanipour, M., Raeisi, L., & Rostamzad, H. (2023). Legitimacy of the ICJ's actions in developing international law rules. *Tehran University Public Law Quarterly*, 53(3), 1293-1315.
- Hosseini Tarazkouhi, H., & Azari, M. (2011). The responsibility of states for acts violating international humanitarian law by private military and security companies. *Afagh-e-Amniyat Quarterly*, 12.
- Karami, M. (2019). An exploration of the application of customary international law in the jurisprudence of international criminal tribunals for Yugoslavia and Rwanda. *Legal Civilization Quarterly*, 2(3), 9-32.
- Karimi Panahan, A. A., & Setayeshpour, M. (2023). The role of the ICJ in maintaining international peace and security. *Tehran University Public Law Quarterly*, 53(3), 1141-1157.
- Kousha, H., Soleimanzadeh, A. R., & Rostamzad, H. (2023). UN administrative model regarding the principle of prohibition of the use of force. *Quarterly Islamic-Iranian Progress Model Studies*, 5(8), 8-26.
- Rashidi, M. (2020). Feasibility of filing a lawsuit in international and domestic courts regarding the assassination of General Soleimani and companions. *Justice Law Journal*, 84(111), 107-127.
- Soltani, F., & Shirzhian, J. (2018). Evolution of state officials' immunity from criminal jurisdiction in foreign courts in the practice of the ICJ. *International Legal Researches*, 11(41), 153-189.
- Tohidi, A. R., & Dadashi, A. (2019). The approach of international criminal courts towards forced marriage as sexual violence. *Legal Researches*, 18(39), 7-40.
- Zakarhossein, M. H. (2022). Prosecutor's powers in initiating the preliminary examination process in the International Criminal Court. *Justice Law Journal*, 86(117), 59-81.
- Zarei, M., & Barzgarzadeh, A. (2023). Challenges of the ICJ in assessing third-party intervention in the Ukraine vs. Russia case under Articles 62 and 63 of the Statute. *Country Studies*, 1(4), 579-606.